

نامه‌های فرزندم



نامه‌ها، سروده‌ها، اوصاف و مصاحبه‌هایی برای فرزندان و جوانان
از
مفاخر، مشاهیر و چهره‌های ماندگار تاریخی و معاصر ایران زمین

با مقدمه

دکتر فتح‌الله مجتبابی
هوشنگ مرادی کرمانی

گردآوری و پژوهش
رضا زمانی

نشر کوچک
تهران - ۱۳۹۶

فهرست کتابخانه ملی
www.ketab.ir

نامه‌ای به فرزندانم || گردآوری و پژوهش رضا زمانی ||
نشر کوچک || چاپ اول || ۱۳۹۶ || شمارگان: ۱۲۰۰ || چاپ: اکسیر || لیتوگرافی: باختر || ناظر چاپ: بهمن سراج ||
این کتاب تحت قانون حمایت از حقوق مولف منتشر شده است. هرگونه بازنشر مطالب این کتاب جز با اجازه
کتابی ناشر قابل پیگرد قانونی است. ||
فهرست کتابخانه ملی || سرشناسه: زمانی، رضا، ۱۳۵۱ -، گردآورنده || ناشر: تهران: نشر کوچک || مشخصات
ظاهری: ۵۰۱ ص. || وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا || شابک: ۵-۷۰-۵۵۸۹-۹۶۴-۹۷۸ || موضوع: مشاهیر-ایران-
نامه‌ها / اندرزنامه || رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ن۸ز/CT۱۸۸۳ || رده‌بندی دیویی: ۹۲۰/۰۵۵ || شماره کتاب‌شناسی
ملی: ۴۶۹۵۱۷۲ ||



فہرست

- ۱۹ = مقدمہ گردآورنده
- ۳۵ = مقدمہ دکتر فتح اللہ مجتہابی (پیامی به فرزندانم)
- ۴۵ = مقدمہ ہوشنگ مرادی کرمانی (گذار از گذار)
- ۵۵ = نامہ حضرت علی^(ع) به حضرت امام حسن مجتہبی^(ع) (خطبہ ۳۱ نہج البلاغہ)



فصل اول: مفاخر، مشاهیر و چهره‌های ماندگار تاریخی ایران زمین

۷۱ - کوروش هخامنشی ((۵۷۶ ق.م.، انشان، پارس، ۵۲۹ ق.م. سیردریا، حوالی بلخ)
وصیت‌نامه (به پسرانش، کمبوجیه و تانااکسار)

۸۱ - طاهر ابن حسین (ذوالیمینین) (۱۳۹ ه. ق.، پوشنگ، ۲۰۷ ه. ق.)
نامه‌ای به پسرش، عبدالله

۹۳ - ابوالقاسم فردوسی طوسی (۳۱۹ ه. ش.، توس خراسان، ۳۹۷ ه. ش.، توس خراسان)
اندوه از مرگ پسر (سروده‌ای در اندوه وفات پسرش)

۹۷ - خواجه نظام‌الدین طوسی (۴۰۸ ه. ق.، طوس، ۴۸۵ ه. ق.، مقتل: صحنه کرمانشاه، مدفن: اصفهان)
اندر مرگ ورت کردن پادشاه در کارها با دانایان و پیران

۱۰۱ - امیر عنصرالدین کیکاووس ابن اسکندر (۴۱۲ ه. ق.، ۴۸۸ ه. ق.)
پدر ای پسر (نامه‌ای به پسرش، گیلان‌شاه)

۱۱۱ - ابوحامد محمد غزالی (۴۵۰ ه. ق.، روستای تابران توس، ۵۰۵ ه. ق.، توس)

۱۱۹ - نظامی گنجه‌ای (۵۳۷ ه. ق.، نیشابور، ۶۰۷ ه. ق.، گنجه)
قره‌العین (سروده‌ای در نصیحت فرزندش محمد)

۱۲۳ - خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ ه. ق.، توس، ۶۸۲ ه. ق.، کاظمین)
آداب سخن گفتن

۱۲۷ - مولانا جلال‌الدین بلخی (۶۰۴ ه. ق.، بلخ، ۶۷۲ ه. ق.، سونیه)
رعایت روشنایی دل و دیده‌ما (نامه‌ای به عروسش فاطمه خاتون، همسر سلطان ولد)

۱۳۱ - سلمان ساوجی (۷۰۹ ه. ق.، ساوه، ۷۷۸ ه. ق.، ساوه)
آلا ای جگرگوشه فرزند من (اندرزهایی به فرزندش)

۱۳۵ - قائم‌مقام فراهانی (۱۱۵۸ ه. ش.، هزاوه اراک، ۱۲۱۴ ه. ش.، تهران)
هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی (نامه‌ای به پسرش)



۱۳۹ - حسنعلی خان گروسی (امیر نظام) (۱۲۳۶ ه. ق.، بیجار، ۱۳۱۷ ه. ق.، کرمان)

پندنامه یحویه (نامه‌ای به پسرش، یحیی خان)

فصل دوم: مفاخر، مشاهیر و چهره‌های ماندگار معاصر ایران زمین

• عرصه فرهنگ و جامعه:

۱۴۷ - امام خمینی (ره) (۱ مهر ۱۲۸۱، خمین، ۱۳ خرداد ۱۳۶۸، تهران)

خداوند، به رحمت خود از لغزش‌ها محفوظش فرماید (نامه عرفانی به سیداحمد خمینی)

۱۵۱ - سید جعفر شهیدی (۱۲۹۷، بروجرد، ۲۳ دی ۱۳۸۶، تهران)

امروزتان بهتر از دیروز باشد

۱۵۷ - حسن حسن‌زاده آملی (۱۳۰۷، لاریجان آمل)

در جوانی پاک کردن پیغمبر است (نامه‌ای به شاگردش)

۱۶۳ - علی شریعتی (۲ آذر ۱۳۱۲، کاهک سرزوار، ۲۹ خرداد ۱۳۵۶، ساوت همپتون انگلستان)

پسر عزیزم (نامه‌ای به پسرش، احسان)

۱۷۳ - سید محمد کاظم موسوی بجنوردی (۱ خرداد ۱۳۲۱، نجف اشرف، عراق)

وصیت‌نامه (به پسرانش، حسن، حسین، علی و محمد) و نیز همه جوانان سرزمین ایران)

• عرصه زبان و ادب فارسی:

۱۸۵ - ایرج میرزا (پاییز ۱۲۵۳، تبریز، ۲۲ اسفند ۱۳۰۴، تهران)

طوفان آرام زندگی (سروده‌ای در باب نصیحت به پسرش، خسرو)

۱۹۱ - محمدتقی بهار (ملک الشعرا) (۱۶ آبان ۱۲۶۵، مشهد، ۲ اردیبهشت ۱۳۳۰، تهران)

نور چشم من، ملک‌دخت عزیزم (نامه‌ای به دخترش، ملک‌دخت)

۱۹۵ - سید محمدعلی جمال‌زاده (۲۳ دی ۱۲۷۰، اصفهان، ۱۷ آبان ۱۳۷۶، ژنو، سوئیس)

کتاب، راهنمای زندگی (به نونهالان و نوباوگان ایرانی از پسر و دختر)



- ۲۰۱ نیما یوشیج (۲۱ آبان ۱۲۷۴، یوش، بلده، ۱۳ دی ۱۳۳۸، شمیران، تهران)
پسر جان عزیزم (نامه‌ای به پسرش، شراگیم)
- ۲۰۵ حبیب‌الله یغمایی (۱۲۸۰، جندق، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۳، تهران)
به دختران و مادران (سروده‌ای برای همه دختران ایرانی که مادران فردا هستند)
- ۲۰۹ مجتبی مینوی (۱۹ بهمن ۱۲۸۲، تهران-۷ بهمن ۱۳۵۵، تهران)
همه قبیله من
- ۲۱۳ پروین اعتصامی (۲۵ اسفند ۱۲۸۵، تبریز، ۱۵ فروردین ۱۳۲۰، تهران)
کودک آرزومند (سروده‌ای از زبان مرغی به مرغی)
- ۲۱۷ پرویز ناتل خانلری (اسفند ۱۲۹۱، تهران، ۱ شهریور ۱۳۶۹، تهران)
نامه‌ای به پسر (به پسرش، آرمان)
- ۲۲۱ سید عبدالله انوار (۳ فروردین ۱۳۰۳، تهران)
درد تحولی ایجاد کرد
- ۲۳۱ محمدعلی اندوشن (۱۳۰۴، ندوشن، یزد)
شهرزاد قصه گو (نامه‌ای برای رامین کوچو و شکامی که نام ایران برایش پرمعنا شود)
- ۲۳۹ محمدابراهیم باستانی پاریزی (۳ دی ۱۳۰۴، پاریز، ۵ فروردین ۱۳۹۳، تهران)
نور چشم مکرم (نامه‌ای به فرزندش، مانی)
- ۲۴۵ فریدون مشیری (۳۰ شهریور ۱۳۰۵، تهران، ۳ آبان ۱۳۷۹، تهران)
آسمان کبود (نامه و سروده‌ای به دخترش بهمن)
- ۲۴۹ توران میرهادی (۲۶ خرداد ۱۳۰۶، تهران، ۱۸ آبان ۱۳۹۱)
سرانجام، کودک کیست؟
- ۲۵۹ سیمین بهبهانی (۲۸ تیر ۱۳۰۶، تهران، ۲۸ مرداد ۱۳۹۳، تهران)
نغمه مادر



- ۲۶۳ محمود شاه‌رخی (۱۳۰۶، بهم، ۲۴ آبان ۱۳۸۸، تهران)
ستاره فروزان آسمان زندگی (نامه‌ای به دخترش)
- ۲۶۹ حسن انوری (۱۰ اسفند ۱۳۱۲، نکاب)
پسر عزیزم (نامه‌ای به پسرش، بابک)
- ۲۷۳ هرمز انصاری (اسفند ۱۳۱۴، اراک)
انسانی که می‌داند (نامه‌ای به پسرش، محمدرضا)
- ۲۷۹ نوش‌آفرین انصاری (۳۰ شهریور ۱۳۱۸، سیما، هندوستان)
الی برای پرواز (نامه‌ای به فرزندانم در قالب یک مصاحبه)
- ۲۹۱ محمد دولت‌آبادی (۱۵ مرداد ۱۳۱۹، دولت‌آباد، سبزوار)
نامه‌ای که فرستاده نشد (به پسرش سیاوش)
- ۲۹۹ معمود حکیمی (۹ شهریور ۱۳۲۳، تهران)
به همه انسان‌ها (نامه‌ای به دخترش)
- ۳۰۹ بهاء‌الدین خرمشاهی (۱۱ بهشت ۱۳۲۴، قزوین)
وصیت‌نامه فرهنگم (به پسرش، هاتف)
- ۳۲۱ مصطفی رحماندوست (۱۱ تیر ۱۳۱۱، همدان)
جزیره مخصوص (نامه‌ای به دخترانش و نوه‌ها، رضیه و متین)
- ۳۲۷ جعفر ابراهیمی (شاهد) (۲۱ مهر ۱۳۳۰، روستای حوی، شهرستان نمین اردبیل)
می‌توان خوشبختی را لمس کرد (نامه‌ای به دخترش زینب)

● عرصه هنر:

- ۳۳۹ داریوش اسدزاده (۱ آذر ۱۳۰۲، کرمانشاه)
پدر فراموش‌شده (نامه‌ای به پسرانش آرش و کوروش)



۳۴۳ عزت‌الله انتظامی (۳۱ خرداد ۱۳۰۳، تهران)

شیفته و شیدا

۳۴۹ محمود فرشچیان (۴ بهمن ۱۳۰۸، اصفهان)

نازنین پدر (نامه‌ای به پسرش علیراد)

۳۵۵ محمدعلی کشاورز (۲۶ فروردین ۱۳۰۹، اصفهان)

در درجه اول سرزمین و فرهنگ را بشناس (نامه‌ای به دخترش، نیلی)

۳۶۱ حمید سمندریان (۹ اردیبهشت ۱۳۱۰، تهران، ۲۲ تیر ۱۳۹۱، تهران)

ادامه این قافله ...

۳۶۵ پرویز بهرام (۱۱ مرداد ۱۳۱۲، تهران)

فرزنا مهربان و هنرمندم (نامه‌ای به پسرش، آرش)

۳۶۹ مرحوم رضا شجریان (۱ مهر ۱۳۱۹، مشهد)

بچه‌های جوان خیلی احترام می‌گذارم

۳۷۵ آیدیر آغداشلو (۸ آبان ۱۳۱۹، رشت)

نامه‌ای برای پسر (پسرش، تکین)

۳۸۳ بهروز رضوی (۲۰ دی ماه ۱۳۲۶، یزد)

حرکت کن، لبخند بزن و مهربان باش (نامه‌ای به پسرش، رامان)

• عرصه علوم و فنون:

۳۸۹ فضل‌الله رضا (۱۱ دی ۱۲۹۳، رشت)

مدخل ادب پارسی (به همه جوانان ایرانی)

۳۹۳ یوسف ثبوتی (۱ شهریور ۱۳۱۱، زنجان)

نامه به فرزندانم



- ۳۹۹ ناصر میرسپاسی (۳ خرداد ۱۳۱۳، نهاوند)
به دنبال کشف استعدادها و اثبات توانایی هایتان باشید (به پسرش رامین، و دخترش نیلوفر)
- ۴۰۵ غلامحسین ابراهیمی دینانی (۵ دی ۱۳۱۳، روستای دینان، خمینی شهر اصفهان)
نسل جوان بیشتر اهل تفکر باشند
- ۴۱۳ مجید سمیعی (۲۹ خرداد ۱۳۱۶، تهران)
سه هدف اصلی زندگی جوانان (نامه‌ای به جوانان ایران زمین)
- ۴۱۷ ایرج فاضل (۳ اردیبهشت ۱۳۱۸، اصفهان)
عالی‌ترین مکان برای زندگی (به فرزندانش، علی، نسیم و رضا)
- ۴۲۷ علی اکبر فرهنگی (۹ تیر ۱۳۲۱، طالقان)
چکار کنم پروازکن... (سروده‌ای به دخترش چکاوک)
- ۴۳۷ علی اکبر الحی (۴ فروردین ۱۳۲۸، کربلا)
فرزنامه‌ها را برای آینده تربیت کنیم
- ۴۴۹ سعیده حسن (۱ فروردین ۱۳۳۰، تهران)
صحبت فرزانه (نامه‌ای به پسرش، مهرداد و دخترش کیانا)
- ۴۵۵ صادق آیینه‌وند (۱۳۳۰، نویسندگان: ۱۷، اردیبهشت ۱۳۹۴، تهران)
نسلی غیر از نسل من (نامه‌ای به دخترش)
- ۴۶۱ سعدالله نصیری قیداری (۴ فروردین ۱۳۳۸، مدار، زنجان)
نور چشم عزیزم، سینا جان (به پسرش سینا)
- ۴۶۷ دست‌نوشته‌هایی از مفاخر، مشاهیر و چهره‌های ماندگار معاصر
- ۴۹۳ منابع



مقدمه گردآورنده

بر اساس اسناد و مدارک و نیز واقعیات تاریخی، چنانچه تاریخ پادشاهی حضرت سلیمان (ع) را حدود سال‌های ۹۷۰ تا ۹۳۱ قبل از میلاد بدانیم، شاید بتوان نامه او به ملکه سبا را از باستانی‌ترین نامه‌های نوشته شده در تاریخ بشر دانست که در کتاب آسمانی قرآن نیز به آن اشاره شده است.^۱

همچنین یکی از اولین اندرزها و نصایحی که پدری به پسرش کرده و در تاریخ ثبت شده است مربوط به حدود سال ۶۳۰ قبل از میلاد است که همان نامه معروف لقمان حکیم به پسرش «ناتان» است که بخش‌هایی از آن نیز در قرآن کریم آمده است.^۲ از دیگر آثار برجسته و ارزشمند تاریخی‌ای که در قالب نامه، سروده، وصیت یا پند و اندرز به فرزندان و جوانان رشتہ‌ریبان شده‌اند، می‌توان به گفتار افلاطون، نامه‌ها و وصایای پادشاهان هخامنشی (کرمانش و داریوش کبیر) و نامه حضرت علی (ع) به حضرت امام حسن مجتبی (ع) در نسخه ۲۱ نهج البلاغه اشاره کرد.

ترسلات (نامه‌نگاری) در ایران باستان

صورت نخستین کتاب‌های اخلاقی در زبان فارسی، پند نامه است که به صورت مجموعه‌ای از سفارش‌ها و نصایح بوده است. «پند» در برخی از زرتشتی به زبان پهلوی تا سده سوم، واژه‌ای بسیار آشنا و پرکاربرد و به معنای «آرزو» و «نصیحت» است، ولی گاه به معنای «راه» نیز آمده که واژه اوستایی «xantay» است.^۳ به همین معناست. به‌طور کلی در ایران پیش از اسلام، ادبیات اندرز، از جمله مهم‌ترین بخش ادبیات پهلوی را تشکیل می‌داده است.

۱. بخشی از این نامه در سوره غل، آیه‌های ۲۹، ۳۰ و ۳۱ آمده است. این نامه با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌شود و ملکه سبا پس از دریافت این نامه به بزرگان آن سرزمین می‌گوید: «نامه بزرگی به من رسیده است که آن نامه از جانب سلیمان و عنوانش به نام خداوند بخشنده مهربان است». کلیات تاریخ عمومی، ج ۱، دکتر ممّتن، تهران، انتشارات دهخدا، ص ۱۹۷-۱۹۸.

۲. سوره مبارکه لقمان، آیات ۱۲-۱۹. برای مطالعه بیشتر به کتاب حکمت‌نامه لقمان، تألیف محمد محمدی ری‌شهری رجوع شود.

ترسل یا نامه‌نگاری از کهن‌ترین فنون نگارش است که هم به نثر و هم به نظم و گاه درآمیخته‌ای از نظم و نثر، در تاریخ زبان فارسی دیده می‌شود. ترسل در ایران، پیشینه‌ای دیرینه دارد و قدمت آن به دوران هخامنشیان بازمی‌گردد. در آن زمان واژه‌ها را با خط میخی بر روی پوست دباغی‌شده جانوران می‌نوشتند و سپس آن پوست را به دست چاپار می‌دادند تا به مقصد برساند. البته قبل از میلاد، نگارش جز در دوایر دولتی و دربارها کاربردی نداشته است. اما از ۱۸۰۰ سال پیش که کاغذ توسط چینی‌ها ساخته شد، نامه‌نویسی روی کاغذ و کتاب‌نویسی پدید آمد و نامه‌نویسی بسیار آسان‌تر شد.^۱ در تاریخ - و دت آمده است که هارپاک به کوروش نامه‌ای نوشت و او را به جنگ با آستیاک - جاک پدري کوروش تشویق کرد و برای این که نامه به آسانی از قلمروی ماد بگذرد و به یارس برسد، هارپاک آن را در شکم خرگوشی پنهان کرد و نامه‌رسانی در لباس شکارچی توانست آن را به کوروش برساند. همچنین در تورات، نامه و فرمانی از کوروش مبنی بر بازسازی بنای اورشلیم - که به وسیله نبوکد نصر کلدانی ویران شده بود - ذکر شده است.^۲

قدیمی ترین اثر بهجا مانده به زبان فارسی در فن ترسل، رساله کوچک آیین نامه نویسی است. این کتاب دربردارنده نمونه های، و ابواب کتابیه در موارد گوناگون و به افراد مختلف است. این متن دارای چهل و پنج بند است و هر یک از بندها شیوه های گوناگون در سبک نامه نویسی را ارائه می دهد. بند نخست آن بندیه ای است در شرح کسانی که به آنان نامه نوشته می شود. در بندهای دیگر نحوه نوشتن انواع آفرین و ستایش، خطاب، عنوان نامه، همدردی، تسلیم و چگونگی آغاز و انجام رسائل آمده است.^۳

ترشلات (نامه نگاری) در ایران پس از اسلام

در بررسی اولین رساله‌های اخلاقی که در طول تاریخ با عناوینی همچون پندنامه، ترسلات، منشآت، نامه‌نگاری و... از آن یاد شده است، می‌توان به نامه طاهر ذوالیمینین

۱. امنی، کاظم، ۱۳۷۹، آیین نگارش مکاتبات اداری، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۲. مهدی‌زاده، مهدی، ۱۳۷۸، تاریخچه منشآت در ادب فارسی، کیهان فرهنگی، ش ۱۵۶، ص ۶۴-۶۷.

۳. صاحبی، محمد، ۱۳۸۸، نگاهی به نامه‌نگاری در ادبیات عرب و تأثیر آن بر فن ترسل فارسی، کتاب ماه ادبیات، ش ۲۷، ص ۵۲-۵۷.

به پسرش عبدالله، سروده حکیم ابوالقاسم فردوسی در سوگ از دست دادن فرزندش،^۱ قابوسنامه امیر عنصرالمعالی به پسرش، گیلان شاه، نامه مولانا جلال الدین به پسرش، سلطان ولد و بسیاری نامه‌های تاریخی و انسان‌ساز و آموزنده دیگر اشاره کرد که در کتاب پیش رو این آثار را آورده‌ایم.

از اواخر قرن پنجم، تدوین رساله‌های اخلاقی موسوم به «پندنامه» آغاز شد که همان‌گونه که بیان شد، همگی ریشه در اخلاقیات و اندرزهای ایران باستان داشته‌اند.^۲ مواردی همچون خردنامه^۳ و ظفرنامه^۴ با همین مضمون نگاشته شده‌اند. در ادامه فن نگارش در تاریخ پس از اسلام، مواردی همچون ترسل، نامه‌نگاری و منشآت (انزانیات، سلطانیات و دیوانیات) نیز به رشته تحریر درآمده‌اند که در ادامه به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم.

اخوانیات در یک نگاه

اخوانیات یا نامه‌های دوستانه - موسوم به آثار گردآوری شده در این کتاب - پیشینه‌ای به گستردگی فن ترسل در قلمرو تاریخ زبان، ادب فارسی دارند. این فن که گاه از آن به فن دبیری نیز یاد می‌شود، در ادبیات ایران پس از اسلام به صورت رشته‌ای از

۱. فردوسی چندین بار پند و اندرز را معطوف به هم آورده تا تسبیح باوصاف شخصیتی را نشان دهد. او اندرز را به معنای هشدارهایی می‌آورد که مثلاً شاهی به جانشین خود پیش از مرگ می‌دهد و نوعی هشدار پیشگویانه است، مانند آنچه فرنگیس از قول سیاوش به کی‌خسرو می‌گوید در باب هشتم که او خواهد آمد. ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، ج ۱، ۲، ۴: ص ۱۰۵ بیت ۱۱۲۷، ص ۱۴۲ بیت ۴۲، ص ۱۸۱ بیت ۱۹۹۲، و ص ۳۴۲ بیت ۳۸۴۵. چاپ زول مول، تهران، ۱۳۶۳ ش.

۲. شارل هانری دو فوشه کور، اخلاقیات: مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری، جلد ۱: ص ۵، ترجمه محمد علی امیرمعزی و عبدالمحمد روح بخشان، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۳. خردنامه متشکل است از مقالات حکما، شامل هفده تن، از جمله حکمت پندنامه بزرگمهر حکیم مشتمل بر وصیتنامه او یا پندهایی نگاشته بر مقبره یا تاج او که به طور وسیعی به ادبیات عربی نیز راه یافته است. همچنین شامل نکته‌هایی از کتاب جاویدان خرد است که ظاهراً کهن‌ترین روایت فارسی و شامل اندرزهای منتسب به هوشنگ است. همان منبع، ج ۳، ص ۲۳-۴۰، ۴۹-۵۵.

۴. ظفرنامه شامل اندرزنامه‌های منسوب به بزرگمهر است که از قرن هشتم به جای مانده و شامل پرسش‌های او از استادش و پاسخ‌های اوست. این کتاب نسخه‌های متفاوتی دارد و چندین بار به چاپ رسیده که از آن جمله است چاپ شارل شفر، پاریس ۱۸۸۳ م. این اثر یک بار نیز به نظم کشیده شده است و برگردان آن را از پهلوی به فارسی به ابوعلی سینا نسبت داده‌اند که با چنین نظری، غلامحسین صدیق (تهران ۱۳۴۸ ش) آن را چاپ کرده است. همان منبع، ص ۷۷-۸۰.

فن سخنوری تجلی کرده است و درضمن، از سایر فنون نثر، از قبیل نثر علمی، ادبی، تاریخی، مقامه و داستان‌نویسی متمایز است.

پیش‌کسوتان این فن دبیران نامداری بوده‌اند که در سده‌های سوم تا پنجم هجری می‌زیسته‌اند. نخستین آن‌ها محمد ابن وصیف نام دارد که دبیر رسائل یعقوب لیث صفاری (د. ۲۶۵ ه. ق.) بود و پس از او باید از ابونصر مشکان و ابوالفضل بیهقی (۳۸۵-۴۷۰ ه. ق.) یاد کرد که به ترتیب صاحب و دبیر دیوان رسائل سلطان محمود (۳۶۰-۴۲۱ ه. ق.) و مسعود غزنوی (د. ۴۳۲ ه. ق.) بوده‌اند. از منشآت آن‌ها، به‌جز مکتوباتی که در منابع تاریخی نقل شده، چیزی به‌صورت مدّون به ما نرسیده است، اما بدون شک شیوه انشا و کتابت رسائل آن‌ها تأثیر بسزایی در فن ترسّل دیگر دوره‌های تاریخی داشته و در نزد دبیران و منشیان به‌الگوی معتبری تبدیل شده است. نمونه‌های مهم باقی‌مانده از مکاتبات سده ششم هجری، مانند مکتوبات رشیدالدین وطواط و عبّته الکتبه‌جویینی و التّوسلّی بنی‌الاسلّ بغدادی، این مطلب را تأیید می‌کنند.

مجموعه آثار نوشته شده بر رانده یا مراسلات در ادوار مختلف تاریخ به چهار دسته قابل تقسیم است: نخست رسائل است که از لحاظ نظری، فن نگارش و انشا را آموزش می‌دهند و طالبان را راهنمایی کرده‌اند؛ ه. ثانی کتاب اعجاز خسروی، منسوب به شاعر معروف، امیر خسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵ ه. ق.) که قدیمی‌ترین منشآت نظری باقی‌مانده است.^۱ دوم مجموعه‌ای از منشآت یک حوافظ است که از طرف خود یا دولت‌مردان نوشته شده است. سوم مکتوباتی که به دبیران و منشیان معروف منسوب بوده و شخص دیگری آن‌ها را به‌عنوان نمونه و سرمشق در یک مجموعه گرد آورده است. چهارم مجموعه منشآت که توسط دبیران و منشیان، بنا به فرمان خود، برای سرمشق دیگران انشا کرده‌اند، بدون آن‌که آن نامه‌ها برای شخص خاصی نوشته و ارسال شده باشد.

البته باید گفت که گاه در میان کتاب‌های منشآت، نمونه‌هایی یافت می‌شوند که ترکیبی از رسائل گفته شده در بندهای دوم تا چهارم هستند. صرف‌نظر از رسائل که جنبه فنی و نظری دارند، سایر منشآت که به‌وسیله دولت‌مردان، عالمان، شاعران، عارفان و دیگران

۱. امیر خسرو دهلوی، اعجاز خسروی، حواشی از غلامحسین صاحب کنتوری (لکهنو: نولکشور، ۱۳۹۳ ه. ق.).

نوشته شده‌اند، نه تنها از لحاظ بلاغت بسیار ارزشمندند، بلکه از منظر تاریخی نیز مبین نکات مهمی هستند که می‌توان آن‌ها را در ردیف منابع معتبر تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار داد^۱.

تقسیمات منشآت

مطابق منابع انشائی، منشآت به سه دسته سلطانیات، دیوانیات و اخوانیات تقسیم می‌شوند. مقصود از منشآت سلطانی (سلطانیات) همه مکاتباتی بوده است که در دربار توسط پادشاهان و شاهزادگان انجام می‌گرفت. منظور از دیوانیات، نوشته‌هایی است که در چرخه نظام اداری رواج داشت. و در نهایت، آن دسته از مکتوباتی که ارتباطی با دو دسته نخست نداشتند و مبین گفتگوهای کتبی و دوستانه میان افرادند، اصطلاحاً اخوانیات نامیده می‌شوند.

در پژوهش‌های امروزی گاه منشآت را به دو گروه دیوانی و غیردیوانی تقسیم کرده‌اند که منظورشان از منشآت دیوانی، همه مراسلات درباری (سلطانی) و اداری (دیوانی) و غیر دیوانی، نامه‌های اخوانی و دوستانه را شامل می‌شود. گاه همه مراسلات را به دو طبقه رسمی و غیر رسمی تقسیم کرده‌اند. هر کدام نیز به ترتیب نامه‌های سلطانی-دیوانی و اخوانی را پوشش داده‌اند^۲.

این اوراق، صرف‌نظر از تقسیمات آن، از لحاظ شکل ساختاری در همه دوره‌های تاریخ ادبی و دیوانی ایران، صورت یکسانی داشته‌اند؛ بدین معنا که همه منشآت از دو بخش تشکیل شده‌اند. به بخش نخست، اصطلاحاً متن نامه گفته می‌شود. در واقع، این بخش بیانگر موضوعی است که مورد توجه نویسنده یا کاتب بوده و به واسطه آن، نامه معنای حقیقی پیدا کرده است. کیفیت و اهمیت موضوع در پردازش متن، از لحاظ لفظی و معنایی، توسط کاتب، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است^۳؛ چنان‌که کوتاهی یا شکل تفصیلی متن یک نامه می‌تواند معرف این مطلب باشد.

۱. تاریخ ادبیات فارسی، ص ۲۴۴-۲۵۲. همچنین نگاه کنید به: نامه‌های رشید الدین و طواط، مقدمه، ص ۸۰.

۲. مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، جهانگیر قائم‌مقامی، ص ۴۱-۴۴.

۳. یک متن به سه قسمت تقسیم می‌شد: مطلع یا مقدمه، احوال یا شرح موضوع، رکن کلام یا خاتمه. همچنین مطلع دارای سه جزء بود: خطاب، القاب، و دعا. التوسل الی التوسل، ص ۱۳، ۳۰، ۳۸، ۵۶، ۷۵، ۷۸، ۸۵، ۹۹، ۱۰۰. دستور الکاتب فی تعیین المراتب، ص ۱۴۷-۱۶۶.

در نگاهی عمومی به مجموعه رسائلی که از دوره‌های مختلف تاریخی باقی مانده، چنین می‌نماید که در حوزه منشآت هیچ گونه محدودیتی در گزینش موضوع وجود نداشته است؛ از این رو در هر یک از تقسیمات رسائل گفته شده، موضوعات گوناگونی قابل شناسایی و بررسی است. حتی می‌توان گفت که این مطلب در مکاتبات اخوانی گستره وسیع‌تری را شامل می‌شده است، زیرا مضامین این مراسلات از عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، فکری، دینی و هنری اقتباس شده است و این نکته می‌تواند معرف یکی از خصوصیات بارز و متمایز اخوانیات در مقایسه با سایر رسائل باشد.

بخش دوم، رسائل شامل اضافات است. مقصود از اضافات همه نشانه‌های مکتوب و علائمی است که بر صدر، حواشی و ظاهر مکاتیب آورده می‌شد و اصطلاحاً از آن با نام‌هایی چون محموله، مهر، توقيع، طغرا، توشیح و تاریخ نام برده‌اند.^۱ در پایان کتاب نیز اطلاعات جامع‌تری ارائه شده است. لازم است یادآوری کنیم که مجموعه گردآوری شده در این کتاب که شامل نامه‌ها، سروده‌ها، وصایا و نیز مصاحبه‌هایی از مفاخر، مشاهیر و چهره‌های ماندگار تاریخی و معاصر ایران زمین است. در این تقسیم‌بندی در زمره اخوانیات به شمار می‌رود.

اخوانیات در دوره معاصر

در چند دهه معاصر نمونه‌های ارزشمندی از نامه‌ها، سروده‌ها، وصایا و مصاحبه‌ها در موضوعات دوستانه، خویشاوندی، اجتماعی، گری داشت، اندیشه‌ها و بیان خاطرات، به سبک اخوانیات پیشین، تألیف یا گردآوری شده است که در مقایسه‌ای اجمالی با آنچه در طول تاریخ باستان تا عصر قاجار با آن برخورد کرده‌ایم، از تنوع موضوعی بیشتری برخوردار است. در نگاهی کلی به این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تألیف نامه‌ها، سروده‌ها، وصایا و مصاحبه‌ها در قالب نثر و نظم - توسط خود افراد - به تأسی از مفاخر و مشاهیر بزرگ ایران، اسلام و جهان، برای فرزندان و اعضای

۱. مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، ص ۱۶۷-۲۴۲.

خانواده، دوستان و جامعه:

- سروده‌های اخلاقی و پندآموز پروین اعتصامی؛
- سروده‌های احساسی، اجتماعی و تربیتی ایرج میرزا؛
- نامه‌های پدر به پسر، تألیف هرمز انصاری؛
- نامه‌هایی از زندان به دخترم، حسن یوسفی اشکوری؛
- نامه‌های بارانی (نامه‌هایی از جلال آل‌احمد)؛
- سال‌های آتش و برف (برگزیده گفتارها و گفت‌وگوها)، آیدین آغداشلو؛
- در کنار پدر مصدق، خاطرات دکتر غلامحسین مصدق؛
- ۲. گردآوری آثار مکتوب افراد در قالب مجموعه نامه، سروده، وصیت یا مصاحبه، در موضوعات خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و علم، ادب، هنر و پیام به فرزندان، جوانان و سایر مخاطبان توسط خود یا دیگران؛
- نامه‌های بهار (مجموعه نامه‌های ملک الشعرای بهار)، به کوشش علی میرانصاری؛
- اخوانیات و مناظرات، تألیف محمود فرید؛
- از صبا تا نیما (اخوانیات)، یحیی آریا پور؛
- خاطرات حبیب یغمایی، به کوشش ایرج افشار؛
- نامه‌های برلین (مجموعه نامه‌های بزرگ ملوی به راه چند مقاله به ایرج افشار)،

۱. بدون شک چنانچه بخواهیم در تاریخ معاصر کشورمان درمورد فرس با تألیف و گردآوری بیش از ۳۰۰ کتاب و ۳۰۰ مقاله ارزشمند در زمینه‌های کتاب‌شناسی و کتابداری، تاریخ، جغرافیا، جغرافیای تاریخی و فرهنگ مردم سخن بگوییم، او کسی نیست جز مرحوم ایرج افشار (۱۶ مهر ۱۳۰۴ تهران - ۱۸ اسفند ۱۳۹۹ تهران). کسی که به او لقب «پدر کتاب‌شناسی ایران» داده‌اند و من با افتخار لقب «پدر گردآوری‌نامه در ایران» را بر آن می‌افزایم. در طول دو سال گردآوری این کتاب، از آنجا که در بیشتر پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای به نام و آثار و پژوهش‌های استاد برمی‌خوردم، همواره آرزو می‌کردم اثری از ایشان را در خصوص نامه‌های بزرگان به فرزندان‌شان بیابم که نیافتم. مطمئن بودم که با دایره وسیع اطلاعات و ارتباطات و دسترسی ایشان به اسناد و مدارک، چنانچه استاد در این حوزه وارد می‌شدند، کتاب بسیار ارزشمند دیگری را گردآوری می‌کردند و به ما هدیه می‌دادند. این اندیشه و دغدغه در من پویا بود تا این‌که در یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۵ خورشیدی، هنگامی که در حال تکمیل پیش‌گفتار کتاب حاضر بودم، مرحوم ایرج افشار را در خواب دیدم؛ با لباسی که معمولاً در گردش‌های ایرانگردی به همراه مرحوم منوچهر ستوده بر تن داشت و در مکانی شبیه به یکی از اتاق‌های موجود در محل کنونی باغ موقوفات افشار، قراردادی را با هم امضا کردیم و سپس با خودروی لندرور ایشان به ابتدای خیابان دکتر علی شریعتی (جاده قدیم) در پیچ شمیران آمدم. ایشان به طول جاده اشاره کرد و پایانش را نشانم داد و گفت: «این همان جاده‌ای است که تو باید طی کنی». سپس از خودرو پیاده شد و مرا با ماشینش و جاده تنها گذاشت...